

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی تفسیری و فقهی ضرب (در آیه ۳۴ سوره نساء) از منظر فریقین

پژوهشگران :

مریم علیزاده

طاهره حیدری

فاطمه خدایار

تابستان ۱۳۹۶

چکیده

زن موجودی ارزشمند است که از نظر اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و آیات بسیاری پیرامون او نازل شده است. یکی از موضوعات بحث برانگیز پیرامون زن در آیه ۳۴ سوره نساء واقع شده که در آن برای جلوگیری از فساد در خانواده از جانب زن دستوراتی داده شده است. طبق آیه شریفه با نشوز زن، مرد مجاز است که با رعایت ترتیب در مجازات او ابتدا او را موعظه کند. در صورت عدم تأثیر از او در رختخواب فاصله بگیرد و اگر اثر نکرد او را بزند. پیرامون موضوع ضرب زن و شرایط آن، نظرات مختلفی در تفسیر و احکام فقهی فریقین آمده است. این پژوهش با بررسی تفسیر این آیه از منظر مفسران بزرگ شیعه و اهل تسنن و تطبیق با فقه شیعه و مذاهب مختلف اهل سنت به بررسی دقیق این موضوع پرداخته و در نهایت، به این نتیجه دست یافته است بین نظرات مختلف مفسران و فقهای شیعه و اهل تسنن تفاوت قابل توجهی وجود ندارد و همه مفسران و فقها معتقد هستند که برای تحقق ضرب شرایط و مقدماتی ضروری است و مرد مجاز نیست بدون در نظر گرفتن این موارد اقدام به ضرب کند.

کلید واژه: ضرب، نشوز، فقه، تفسیر، فریقین

مقدمه

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و هم‌زمان با تشکیل اولین حکومت اسلامی موقعیت زنان در آن زمان پیشرفت چشمگیری یافت. در آن دوران که دختران زنده به گور و زنان مانند کالا خرید و فروش می‌شدند، اسلام چنان جایگاهی به زنان داد که همچون مردان در عرصه‌های مختلفی مانند ایمان و اخلاق و منزلت اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. از طرف دیگر همه احکام و دستوراتی را که اسلام برای زنان تشریح نموده، از جمله حکم حجاب یا قوامیت مردان بر زنان فقط به جهت حفظ کرامت زن و همچنین استواری نظام خانواده بوده است. برخی از روشنفکران عصر حاضر با برداشت ناصحیح از آیات قرآن و احکام اسلام سعی دارند احکام اسلامی را مغایر با منزلت زن معرفی کنند. در این بین استنباط صحیح احکام از طریق آیات و نحوه تعامل مفسران و فقیهان می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. یکی از آیاتی که همیشه مورد اعتراض مخالفان اسلام بوده، آیه ۳۴ سوره نساء است که در آن شرایطی مقرر شده تا نسبت به انحراف خانواده اقداماتی صورت گیرد و مرد مجاز است در صورت نشوز زن با طی کردن مراحل موعظه و هجر اقدام به زدن زن کند. به همین منظور این پژوهش در ابتدا به بررسی مفهوم ضرب و نشوز می‌پردازد. سپس شأن نزول نقل شده پیرامون آیه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. پس از آن، دیدگاه مفسران فریقین را ارائه داده و در نهایت نیز به بررسی فقهی آیه از منظر فقهای شیعه و سپس اهل تسنن می‌پردازد.

۱- مفهوم شناسی

واژه ضرب و نشوز در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء به دلیل تأثیرگذاری در مفهوم آیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. به همین دلیل در ابتدا از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱- مفهوم لغوی واژه ضرب

واژه ضرب اصل واحدی دارد که پس از آن استعاره گرفته شده و معانی مختلفی بر آن حمل شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۲۰) در واقع لغت ضرب به معنای (ایقاعُ شیء علی شیء) انداختن چیزی بر چیزی دیگر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۰۵) همچنین به معنای زدن دو چیز به یکدیگر نیز آمده است و به تصوّر اختلاف ضرب (نوع زدن) در تفسیر آن تفاوت حاصل می‌شود مثل زدن چیزی با دست و عصا و شمشیر و مانند آنها مثل زدن با دست همانند (واضربوهنّ) یا زدن چیزی به چیزی مثل (فقلنا اضربوه ببعضها) یا با یکسوی (ولیضربن بخرهن) که بیشتر آیات قرآن کلمه ضرب را به همین معنا به کار برده‌اند. معانی دیگری نیز در باره کلمه ضرب آمده است که به بحث حاضر ارتباطی ندارد. از جمله به معنی در راه رفتن و مسافرت کردن مثل (إذا ضربتم فی سبیل الله) و به معنی حتمی شدن مثل (ضربت علیهم الذله) البته اگر ضرب با عن متعدی شود به معنی اعراض و روگرداندن است (أفترض عنکم الذکر) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۶) بنابر این اصل واژه ضرب معنای معروفی است که به معنای زدن دو چیز به یکدیگر به کار می‌رود.

فهرست منابع

*قرآن کریم

ابن ادريس حلی، محمد ابن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۰.

ابن حمزه طوسى، محمد بن على، الوسيله، تهران: بى نا، ۱۲۷۶.

ابن عربى، محمد ابن عبدالله، احكام القرآن، بيروت: دار الجيل، بى تا.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹.

ابن علامه، محمد بن الحسن، ايضاح الفوائد، قم: دارالكتب علميه، ۱۳۸۷.

الانصارى، زكريا، فتح الوهاب، قم: دارالفكر، ۱۴۱۴.

البهوتى، منصور بن يونس، كشف القناع، قم: دار الكتب العلميه، ۱۳۸۷.

جبعى عاملى، شهيد ثانى، مسالك الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳.

جصاص، احمد ابن على، احكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵.

حسينى جرجانى، سيد امير ابوالفتوح، آيات الاحكام، تهران: نويد، ۱۴۰۴.

حلى، حسن ابن يوسف، إرشاد الأذهان إلى احكام الايمان، قم: مؤسسه النشر الاسلاميه، ١٤١٠.

حويزى، عبد بن على، تفسير نور الثقلين، قم: اسماعيليان، ١٤١٥.

خويى، سيد ابوالقاسم، منهاج الصالحين، قم: مدينه العلم، ١٤١٠.

الدردين، شهاب الدين، شرح الكبير ابو البركات ، بيروت: دار احياء الكتب العربيه، ١٩٨٣.

الدسوقى، محمد، حاشيه الدسوقى، لبنان: دار الكتب العلميه، ١٤٢٨.

راغب اصفهانى، حسين ابن محمد، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بيروت: دار العلم، ١٤١٢.

الرعيى، الحطاب، مواهب الجليل، بى جا: دارالفكر، ١٤١٢.

سايس، محمد على، تفسير الآيات الاحكام، بيروت: المكتبه العصريه، بى تا.

السرخسى، احمد بن ابى سهل، المبسوط السرخسى، بيروت: دارالمعرفه، ١٤١٤.

سلار، ابن عبد العزيز، المراسم العلويه، قم: مجمع العالميه لأهل البيت، ١٤١٤.

السمرقندى، علاءالدين محمد، تحفه الفقهاء، لبنان: دارالكتب، ١٤١٤.

سيوطى، عبد الرحمن ابن ابى بكر، الدر المنثور، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٠٤.

الشافعي، محمد بن ادريس، الام، مصر: دارالوفاء، ١٤٢٢.

الشرييني، محمد بن احمد، اقناع في حل الفاظ اي شجاع، بي جا: دارالمعرفه، ١٤٢٥.

صدوق، علي ابن بابويه، علي، فقه الرضا، مشهد: المؤتمر العالميه لإمام ارضا(ع)، ١٤٠٦.

_____، من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين ، بي تا.

طباطبايي، سيد علي، رياض المسائل، قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين، ١٤١٢.

طباطبايي، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني، قم: جامعه مدرسين

حوزه علميه قم، ١٣٧٤.

طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢.

طبري كيا هراسي، علي بن محمد، احكام القرآن، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٠٥.

طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا.

_____، المبسوط، تهران: المكتبه المرتضويه لإحياء آثار الجعفريه، ١٣٨٧.

العاملی البهائي، محمد بن حسين، جامع العباسي، اصفهان: نظام السلطنه، ١٣١٢.

- عنايه، غازى حسين، اسباب النزول القرآنى، دار الجبل، بيروت: ١٤١١.
- فاضل، مقداد بن عبد الله، كنز العرفان فى فقه القرآن، تهران: مجمع جهانى اهل بيت، ١٤١٩.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام، قم: كتابخانه آيه ... نجفى، ١٤٠٥.
- فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربيه، ١٤٢٠.
- الفياض، محمد اسحاق، منهاج الصالحين، قم: مكتب آيه .. محمد اسحق الفياض، ١٣٧٨.
- فيض كاشانى، ملا محسن، تفسير الصافى، تهران: الصدر، ١٤١٥.
- قرشى، سيد على اكبر، قاموس قرآن، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧١.
- قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤.
- الكاشانى، ابوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع، بي جا: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٦.
- محقق حلى، ابوالقاسم نجم الدين جعفر ابن حسن، المختصر النافع فى فقه الاماميه، قسم الدراسات الاسلاميه فى مؤسسه البعثه، تهران: ١٤٠٢.
- المزنى، اسماعيل، مختصر المزنى، قم: دار الكتب العلميه، ١٤١٩.

المصرى، زين الدين ابن نجيم، **البحر الرائق**، لبنان: دارالكتب العلميه، ١٢٥٢.

مصطفوى، حسن، **التحقيق فى كلمات القرآن الكريم**، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٣٠.

مفيد، ابى عبد الله محمد ابن نعمان، **المقنعه**، بى جا: المؤسسه الامام الهادى، ١٤١٥.

مكارم شيرازى، ناصر، **تفسير نمونه**، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٤.

موسوى خمينى، روح الله، **تحرير الوسيله**، قم: اسماعيليان، ١٣٩٠.

نجفى، محمد حسن، **جواهر الكلام**، تهران: دار لكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.

واحدى نيشابورى، على بن احمد، **اسباب النزول**، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١١.

وزارت اوقاف و شئون اسلامى، **الموسوعه الكويتيه**، كويت، ١٤٠٤-١٤٢٧